

مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه درسی»
انجمن مطالعات برنامه درسی ایران
دوره چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳
صفحه‌های ۵۸-۲۹

تاثیر الگوی طراحی محیط یادگیری الکترونیکی مبتنی بر یادگیری سازگار با مغز بر مولفه‌های کارکردهای اجرایی دانش آموزان

مریم رجبیان ده زیره^۱، حمیدرضا مقامی^{۲*}، محمود تلخابی^۳، اسماعیل زارعی زوارکی^۴، جلیل
یونسی^۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تاثیر الگوی طراحی محیط یادگیری الکترونیکی مبتنی بر علوم اعصاب تربیتی (دانش ذهن، مغز و تربیت) بر مولفه‌های کارکردهای اجرایی دانش آموزان در برنامه درسی ریاضی بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی بودند که از بین آن‌ها ۳۰ نفر (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. گروه آزمایش با استفاده از الگوی شش مولفه‌ای یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز (توجه، ارتباط، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی) در مدت هفت جلسه در محیط تعاملی الکترونیکی Nearpod آموزش دیدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی بریف (۲۰۰۰) بود. مولفه‌های این پرسش‌نامه شامل مهارت‌های تنظیم رفتار: بازداري پاسخ، انعطاف پذیری شناختی، کنترلی هیجان و مهارت‌های فراشناخت: برنامه ریزی، سازمان دهی مواد، نظارت، حافظه کاری، آغازگری بود. داده‌ها با روش کوواریانس تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد الگوی محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر مولفه‌های کارکردهای اجرایی (انعطاف پذیری شناختی، بازداري پاسخ و حافظه کاری) تاثیر دارد ($p < 0.001$). بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت معلمان می‌توانند از الگوی محیط یادگیری الکترونیکی در طراحی دروس گوناگون تحصیلی استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: یادگیری الکترونیکی، یادگیری سازگار با مغز، کارکردهای اجرایی، دانش آموزان.

^۱دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۲دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۳استادیار گروه مدیریت آموزشی، پردیس شهید چمران، تهران، ایران.

^۴استاد گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۵دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول مقاله: hmaghmi@gmail.com

مقدمه

تأخیر و اختلالات در کارکردهای اجرایی، در بسیاری اختلالات ناشی از نقص سیستم عصبی مرکزی یا آسیب دیدگی‌هایی مانند فلج مغزی، صرع، اسپینا بیفیدا^۱ (مهره شکاف دار، شکاف مادرزاد مهره‌ها به صورت آشکار یا پنهان، کمر باز یا بیرون زدگی نخاع)، آسیب ترماتیک مغز و سرطان نقش دارند (Krawczyk Et al, 2019; Stadskleiv, 2020). از سوی دیگر، کارکرد اجرایی ضعیف یک مسئله مهم کلینیکی و سلامتی است که بر اختلالات و آسیب‌های عصبی و اختلالات، حافظه، موفقیت تحصیلی (Barkley, 2012) و ناتوانی‌های یادگیری (Akyürek & Bumin, 2019) تأثیر دارد. کارکردهای اجرایی مجموعه‌ای از مهارت‌ها هستند که برنامه‌ریزی، سازماندهی و ساختاردهی فعالیت‌های زندگی روزمره و اهداف بلندمدت زندگی را تسهیل می‌کنند (Blair, 2017; Doebel, 2020). کارکرد اجرایی (EF) اغلب به عنوان "سیستم مدیریت مغز" توصیف می‌شود (Murphy, 2021). زیرا مهارت‌های موجود به ما اجازه می‌دهد تا اهداف تعیین کنیم، برنامه‌ریزی کنیم، سازماندهی کنیم و وظایف را نحو احسن به پایان برسانیم. مهارت‌های کارکرد اجرایی هر روز به منظور عملکرد در جامعه و معنا بخشیدن به جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، عملکرد اجرایی یک جزء ضروری برای یادگیری است و نقص در عملکرد اجرایی هدفمند ممکن است از موفقیت تحصیلی جلوگیری کند (Sibley Et al, 2019). عملکرد اجرایی یک سازه بسیار مهم در بهبود عملکرد تحصیلی است (Strait Et al, 2019). مولفه‌های بنیادی کارکردهای اجرایی شامل بازداری، حافظه کاری، تغییر و انعطاف پذیری شناختی هستند (Fogel Et al, 2020; Miyake Et al, 2000; Zelazo, 2020 Blair & Ursache, 2011; McCloskey & Perkins, 2012). حافظه کاری به عنوان توانایی حفظ و تغییر یا به روز رسانی اطلاعات در مدت زمان نسبتاً کوتاه تعریف شده است (Alloway Et al, 2006; Huizinga Et al, 2006). این اطلاعات به طور مستقل (یعنی بدون کمک) و «در انتظار» برای استفاده موقت (مثلاً به خاطر سپردن شماره تلفن برای برقراری تماس)، یا برای حل مشکلات یا تصمیم‌گیری استفاده می‌شوند (Christophel Et al, 2017; Cowan, 2017). کنترل بازدارنده به عنوان توانایی کنترل توجه، رفتار، افکار و احساسات فرد تعریف می‌شود (Welch, 2023) و شامل نادیده گرفتن پاسخ غالب و خودکارتر به منظور انجام کارهایی است که بهینه‌تر یا مناسب‌تر است (مانند بررسی نکردن اعلان تلفن در هنگام رانندگی، سرکوب خنده در زمانی که موقعیت مناسب نیست) می‌باشد (Blair & Ursache, 2012; Miyake & Friedman, 2012). انعطاف پذیری شناختی به عنوان توانایی جابجایی بین حالات ذهنی، مجموعه قوانین یا وظایف تعریف می‌شود (Miyake Et al, 2000) و شامل دور کردن توجه از

¹ Spina Bifida

اطلاعات نامربوط و انطباق تفکر و رفتار فرد در پاسخ به تغییر اهداف یا تغییرات در محیط است (Bernadro & Presbitero, 2018; Blair & Ursache, 2012; Buttelmann & Karbach, 2017).

یادگیری سازگار با مغز بر روی کارکردهای اجرائی تاثیر دارد (Arsad & Kasefi, 2021; Yavari & Jalili Shishavan, 2020; Saifi Et al 2018). با توجه به انقلاب اطلاعاتی و توسعه فناوری، استفاده از راهبردهای آموزشی، ذهنی و شناختی و فناوری‌های مدرن در محیط‌های یادگیری الکترونیکی تطبیقی ضروری شده است. افزون بر این، نیاز به سرمایه گذاری بر روی تحقیقات در مورد چگونگی عملکرد مغز جهت معرفی استراتژی‌هایی برای یادگیری و آموزش وجود دارد. در این راستا، نیازها، انگیزه‌ها، علایق و گرایش‌های دانش‌آموزان باید مورد توجه قرار گیرد تا آنها به نحوی بهتر به نتایج یادگیری دست یابند و به موفقیت در فرآیند آموزشی برسند. نوآوری‌ها و پیشرفت در فناوری‌های تصویربرداری عصبی، مانند تصویربرداری تشدید مغناطیسی کارکردی (fMRI) و پتانسیل‌های وابسته به رخداد (ERP)، به ما این امکان را می‌دهند که فعالیت‌های عصبی مرتبط با فرآیندهای شناختی خاص را از راه تغییرات در جریان خون مانند (fMRI) و تغییرات الکتریکی پتانسیل‌های وابسته به رخداد مانند (ERP) در سیستم مغزی تجسم کنیم (Brown, 2018). در ارتباط با این پیشرفت‌ها، چارچوب علوم اعصاب تربیتی پدید آمد و فرصت‌هایی را برای تحقیقات بین‌رشته‌ای مرتبط با سطوح گوناگون تحلیل از جمله ساختارهای مغز، عملکردهای شناختی، رفتار، و مداخلات آموزشی ایجاد است (Brown & Bjorklund, 1998; Brown & Chiu, 2006; Coch Et al, 2009; Goswami, 2006; Hille, 2011; Johnson Et al, 2008; MagilEvans Et al, 2002; Mareschal Et al, 2020; Varma Et al, 2002). یافته‌های حوزه علوم اعصاب ثابت کرده‌اند که وقتی افراد با یکدیگر همکاری می‌کنند، قشر میانی اوربیتوفرونتال و شبکه فرونتوپاریتال فعال می‌شوند و در نتیجه، رشد کارکردهای اجرایی ارتقا پیدا می‌کند (Lu Et al, 2019; Decety Et al, 2004). آموزش و یادگیری مبتنی بر مغز، یک رویکرد «یادگیرنده محور» است که توانایی‌های شناختی فراگیران را به کار می‌گیرد و بر یادگیری معنادار و نه صرفاً به خاطر سپاری تاکید می‌کند (Sani Et al, 2019). به طور کلی، روش یادگیری سازگار با مغز می‌تواند به معلمان در بهبود توانایی شناختی دانش‌آموزان کمک کند (Morgan, 2019; Yasar, 2017). پژوهشگران خاطرنشان کردند که اگر معلمان بیش‌تر در مورد مغز یادگیرندگان بدانند، بیش‌تر می‌توانند تفاوت‌ها را در بسیاری از روش‌های تدریس و یادگیری تشخیص دهند (Amiel & Tan, 2019; Doukakis & Alexopoulos, 2020). نظریه یادگیری سازگار با مغز تاکید کرده است که هر فردی در صورتی قادر به یادگیری است که محیط یادگیری فعالی داشته باشد که یادگیرندگان را تحریک کند. هر فردی با مغزی متولد می‌شود که اطلاعات و ایده‌ها را پردازش می‌کند، اما یادگیری سنتی اغلب با بازداری، تنبیه، نادیده گرفتن و ارباب، توانایی مغز را کاهش

می‌دهد. در یادگیری مبتنی بر مغز با تاکید بر ساختار و عملکرد مغز برای مهمترین فعالیت آن (یادگیری) مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی بر اساس اصول سازگار با یادگیری مغز انجام شده است. محیط یادگیری از نظر نور، اکسیژن، آب، غذا، موسیقی، رنگ و خواب آماده شده و تأثیر این عوامل بر یادگیری دانش آموزان بررسی شده است. Hart (2002) اشاره می‌کند که یادگیری مبتنی بر مغز بر اساس ساختار و عملکرد مغز ساخته می‌شود، اما آموزش سنتی اغلب از روند طبیعی مغز جلوگیری می‌کند و از آن غفلت می‌کند. رویکرد یادگیری سازگار با مغز مبتنی بر اصول یادگیری مبتنی بر مغز است که توسط (Caine & Caine, 1991; Sousa, 1995) توسعه یافته است. معلمان باید بتوانند ماهیت فرآیندهای آموزشی را درک کنند و داده‌های علوم اعصاب تربیتی را در محیط‌های آموزشی به کار ببرند (Schrag, 2013) زیرا آنها مهم‌ترین عامل در انتقال داده‌های مربوط به مطالعات علوم اعصاب به محیط‌های یادگیری هستند. بنابراین، لازم است آگاهی معلمان از رویکرد علوم اعصاب تربیتی افزایش یابد. در این زمینه، برنامه‌های آموزش معلمان باید آگاهی آن‌ها را از علوم اعصاب افزایش دهد و معلمان باید آموزش‌هایی ببینند که بین علوم اعصاب و آموزش ارتباط برقرار کند، چه قبل و چه در طول زندگی حرفه‌ای‌شان.

به بیان دیگر، علوم اعصاب تربیتی می‌تواند به معلمان کمک کند تا درک کنند مکانیسم عملکرد مغز، معلمان را تشویق می‌کند تا استراتژی‌های تدریس را تغییر دهند و طراحی تدریس را برای اجرای بهتر فعالیت‌های آموزشی بهینه سازند (Sigman Et al, 2014). به گفته Jensen (2008)، در یادگیری سازگار با مغز، کاربرد این روش‌ها منجر به افزایش یادگیری معنادار برای دانش آموزان می‌شود. اساتید در آموزش‌های مجازی که از روش‌های یادگیری مبتنی بر مغز استفاده می‌کنند، این فرصت را دارند که شیوه‌های آکادمیک را در محیط یادگیری مجازی بهبود بخشند. بر اساس نظر Braidic (2009)، اساتید در محیط مجازی باید یک محیط یادگیری ناهم‌مان امن، راحت، انعطاف‌پذیر، تعاملی و حمایتی را فراهم کنند و با این حال، یادگیری معنادار را ارتقا دهند. ابرینا تامپکینز، پیشنهاد کرد که طراحی دوره مجازی مبتنی بر مغز شامل «استراتژی‌های آموزشی طراحی شده برای سازگاری با تمایلات مغز برای جستجو، پردازش و سازمان‌دهی اطلاعات» است (Kelly, 2013). بر اساس گفته Caine & Geoffre (2010)، یادگیری در محیط مجازی زمانی می‌تواند به طور قابل توجهی بهبود یابد که با روشی که افراد به طور طبیعی یاد می‌گیرند، سازگار باشد. مریان باید کاری کنند که دانش‌آموزان از اضطراب رها شوند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا ارتباط عاطفی مثبتی با یادگیری ایجاد کنند (Cercone, 2006). معلمان که از روش‌های یادگیری مبتنی بر مغز استفاده می‌کنند، فرصت‌هایی را برای تعامل از راه بررسی عملکرد، بازخورد و حمایت اصلاحی برای کاهش استرس و ارتقای یادگیری معنادار فراهم می‌کنند (Jensen, 2008). به بیان دیگر، هدف از روش‌های یادگیری مبتنی بر مغز، استفاده از شیوه‌های آکادمیک مجازی معلمان

برای کمک به کاربرد اطلاعات و بهبود یادگیری دانش آموزان است. اساتید در محیط مجازی باید ضمن ایجاد محیطی یادگیرنده محور با استفاده از یادگیری مبتنی بر مغز، یادگیری مرتبط با شغل و حرفه دانش آموزان را در نظر بگیرند. عناصر کلیدی مدل‌های آموزشی برای کلاس‌های مجازی که از روش‌های یادگیری سازگار با مغز استفاده می‌کنند عبارتند از حافظه/بازیابی، سبک‌های یادگیری، افزایش توجه و نقش احساسات در یادگیری (Clemons, 2005). ارتقای کیفیت آموزش از راه یادگیری معنادار و استفاده محدود از آموزش سنتی، از جمله شیوه‌هایی مانند سخنرانی‌ها و کاربرگ‌ها، امکان تحریک مغز و افزایش یادگیری دانش آموزان را فراهم می‌کند.

حافظه کاری با مشارکت مثبت کلاس درس (Fitzpatrick & Pagani, 2012)، آمادگی تحصیلی برای کودکان پیش دبستانی (Swayze & Dexter, 2018)، مهارت‌های اولیه ریاضی (Bull Et al, 2016; Harvey & Miller, 2008) و مهارت‌های زبان مرتبط است (Roman Et al, 2014). مشخص شده است که انعطاف‌پذیری شناختی با مهارت‌های گوناگون مرتبط با موفقیت مدرسه، مانند مهارت‌های ریاضی مفهومی یا انتزاعی (Purpura Et al, 2017)، درک مطلب (Cantin Et al, 2016)، پیشرفت تحصیلی (Anthony & Ogg, 2020)، مشکلات رفتاری برون‌ساز (Schoemaker Et al, 2013) و رفتارهای تنظیم‌کننده با رضایت تأخیری (Jahromi & Stifter, 2008) مرتبط است. مشخص شد که نقص در کنترل بازدارنده با افزایش خطر مشکلات بیرونی مانند رفتارهای پرخاشگرانه، مخرب و تکانشی از همان اوایل سال‌های پیش دبستانی مرتبط است و این رابطه تا سال‌های بعد مدرسه ادامه دارد (Utendale et al, 2011; Kim, 2022). همچنین، مشخص شد که بازداری با سرکوب استراتژی‌های کمتر پیچیده و با این حال، آشنا و اتخاذ استراتژی‌های سازگارتر و بهبود یافته به مهارت‌های ریاضی کودکان کمک می‌کند (Ren et al, 2019).

Saadatmand & Afsharinejad (2022) پژوهشی با عنوان مدل معادلات ساختاری کارکرد اجرایی مغز و یادگیری الکترونیکی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان انجام دادند. خودسازماندهی، خودانگیزشی، خودتنظیمی هیجانی بر یادگیری الکترونیکی رابطه معنادار نشان داد. Sharbar (2022) پژوهشی با عنوان مطالعه اثر یادگیری سازگار با مغز در آموزش رایانه‌ای، بر کنترل بازداری و حافظه کاری دانش‌آموزان با سطوح استرس بالا انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که رویکرد یادگیری سازگار با مغز به روش رایانه‌ای منجر به تفاوت معنی‌دار بین گروهها از نظر کنترل بازداری و حافظه کاری شد. Arsad & Kasefi (2021) پژوهشی با عنوان اثربخشی توانمندسازی مغز محور بر کارکردهای اجرایی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری ریاضی انجام دادند. بین میانگین نمره‌های پیش-آزمون و پس-آزمون گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود داشت. توانمندسازی مغز محور باعث بهبود توجه و حل مسئله در افراد مبتلا به ناتوانی

یادگیری ریاضی شد. با توجه به تأثیرات مثبت این روش بر توجه و حل مسئله افراد مبتلا به ناتوانی یادگیری ریاضی، این مطالعه نشان داد که توانمندسازی مغزمحور می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر برای دستیابی به عملکرد بهینه کارکردهای اجرایی در افرادی که اختلال یادگیری ریاضی دارند، استفاده شود. Nasiri (2021) پژوهشی با عنوان اثر بخشی به کارگیری راهبردهای یادگیری سازگار با مغز بر انعطاف پذیری شناختی، درگیری تحصیلی و تفکر محاسباتی در دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی در درس ریاضی انجام داد. تحلیل داده‌ها نشان داد که یادگیری سازگار با مغز باعث افزایش انعطاف پذیری شناختی و درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه دوم شد اما نتوانست در نمره تفکر محاسباتی، تفاوت معناداری در دو گروه آزمایش و کنترل ایجاد کند. Bagheri & Latifi (2021) پژوهشی با عنوان اثربخشی مداخله بسته مغز برتر بر تمرکز، حافظه و خلاقیت دانش‌آموزان مقطع دبستان شهر اصفهان انجام دادند. این پژوهش نشان داد که آموزش بسته مغز برتر با استفاده از تکنیک‌های محاسبات سریع ریاضی و تصویر ذهنی به روش‌های جذاب و خاص با استفاده از طنز و داستان‌سازی، موجب استفاده همزمان دانش‌آموزان از دو نیمکره مغز شده و قدرت تمرکز و خلاقیت آنان را افزایش داده است. بنابراین می‌توان به منظور تسهیل یادگیری و ایجاد اشتیاق تحصیلی، از این روش بعنوان یک روش جدید با اثرات نسبتاً پایدار برای افزایش تمرکز و خلاقیت دانش‌آموزان دبستانی استفاده کرد. Mashhadizadeh Et al (2021) پژوهشی با عنوان اثربخشی یادگیری مبتنی بر آموزش مغز بر مهارت حل مسئله و حافظه فعال دیداری - فضایی پسران پیش‌دبستانی با نارسایی ویژه در یادگیری انجام دادند. نتایج نشان داد که یادگیری مبتنی بر آموزش مغز بر مهارت حل مسئله و حافظه فعال دیداری - فضایی به ترتیب ۲۷ درصد و ۳۱ درصد واریانس تغییرات را تبیین می‌کند. یادگیری براساس فعالیت مغز به دلیل تأکید بر فعالیت مشترک نیمکره‌های مغزی، رویکردی مثبت و مؤثر در بهبود عملکرد نوانموزان مبتلا به نارسایی ویژه در یادگیری بوده است. بنابراین می‌تواند به عنوان روشی غالب در آموزش پیش‌دبستانی استفاده شود. Sridamn & Sangkharam (2023) پژوهشی با عنوان برنامه آموزش الکترونیکی برای توسعه عملکردهای اجرایی کودکان برای ۵-۷ سال انجام دادند. نتایج نشان داد که برنامه آموزش الکترونیکی برای رشد کارکردهای اجرایی کودکان ۵ تا ۷ ساله مؤثر بوده است. Cherrier Et al (2023) پژوهشی با عنوان NeuroStratE: یک مداخله علوم اعصاب آموزشی برای کاهش رفتار اهمال کاری و بهبود عملکرد برنامه ریزی اجرایی در دانش‌آموزان انجام دادند. کاهش رفتار اهمال کاری و توانایی برنامه‌ریزی در دانش‌آموزانی که مداخله را دنبال کردند نسبت به گروه کنترل بهبود یافت. Al-Murshidi Et al (2021) پژوهشی با عنوان اثربخشی طراحی درس الکترونیکی درس فیزیک عمومی بر اساس نظریه یادگیری مبتنی بر مغز بر پیشرفت دانش‌آموزان دانشکده‌های آموزش پایه انجام دادند. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان گروه آزمایش در آزمون

دانش فیزیکی از دانش آموزان گروه کنترل بهتر عمل کردند. Damayanti Et al (2018) پژوهشی با عنوان بهبود کارکرد اجرایی دانش آموزان از راه یادگیری تربیت بدنی مبتنی بر مغز انجام دادند. نتایج نشان داد یادگیری تربیت بدنی مبتنی بر مغز بر کارکرد اجرایی دانش آموزان تاثیر دارد. Jena Et al (2018) پژوهشی با عنوان عملکرد یادگیری الکترونیکی همزمان در ارتباط با مهارت‌های تفکر، کارکردهای اجرایی و مزایای توجه دانش آموزان انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهارت تفکر سلسله مراتبی بوده و به طور معناداری با عملکرد یادگیری الکترونیکی همزمان دانشجویان مرتبط است. کارکردهای اجرایی و توجه نیز با عملکرد یادگیری الکترونیکی همزمان ارتباط دارد.

مطالعات علوم اعصاب با توجه به توسعه فناوری‌های آموزشی به علوم تربیتی کمک می‌کند و مناسب‌ترین زمینه برای همکاری بین رشته‌ای بین علوم اعصاب و آموزش، توسعه فناوری‌های آموزشی است. تمام محرک‌های محیطی که در سیستم حسی درک و پردازش می‌شوند باعث فعالیت‌های الکتروشیمیایی و تغییرات عصبی فیزیولوژیکی در مغز می‌شوند. بنابراین، طراحی محیط‌های آموزشی عاملی است که بر تجربیات و نتایج یادگیری تأثیر می‌گذارد. لذا، افراد باید محیط‌های آموزشی را با در نظر گرفتن اصول عملکرد مغز طراحی کنند تا به مزایای بهینه دست یابند (Vaninsky, 2017). بررسی سه کارکرد اجرایی در دانش آموزان به علل گوناگونی برمی‌گردد. یکی از علت‌ها می‌تواند شناخت و ارزیابی نقاط قوت و ضعف دانش آموزان باشد. با بررسی کارکردهای اجرایی، می‌توانیم ببینیم که دانش آموزان در بخش‌های گوناگونی از هوش و توانایی کارکردهای اجرایی چقدر قدرتمنداند و کدام بخش‌ها نیاز به تقویت دارند. علت دیگر می‌تواند مشخص کردن استراتژی‌ها و راهبردهای بهینه برای یادگیری باشد. با بررسی کارکردهای اجرایی، می‌توانیم بررسی کنیم که کدام کارکرد اجرایی در فرایند یادگیری تاثیرگذارتر است و با توجه به این اطلاعات، استراتژی‌های بهینه‌تری برای یادگیری تعیین کنیم. همچنین، بررسی کارکردهای اجرایی می‌تواند ما را در تشخیص مشکلات یادگیری کمک کند. اگر دانش آموزی در رشد کارکردهای اجرایی عقب بماند، ممکن است با مشکلاتی همچون نقص توجه، نقص کنترل حرکتی و مشکلات حافظه مواجه شود. با شناخت این مشکلات، می‌توان راهکارهای مناسب برای کمک به دانش آموزان با این مشکلات پیدا کرد. از طرفی، بررسی کارکردهای اجرایی اطلاعاتی نیز درباره عملکرد تحصیلی فرد می‌دهد. با شناخت میزان توانایی اجرایی دانش آموز، می‌توان استراتژی‌ها و روش‌های مناسبی برای بهبود عملکرد تحصیلی او پیشنهاد داد. از آنجایی که فرایند یادگیری یک فرایند پیچیده و گسترده است که تحت تأثیر محیط و شرایط خاص گوناگون قرار می‌گیرد، طراحی الگوی محیط یادگیری الکترونیکی مبتنی بر اصول علوم اعصاب تربیتی به فراهم آوردن عملکردهای اجرایی مؤثر برای دانش آموزان کمک می‌کند. آشنایی مدرس و یادگیرنده از

عملکرد مغز در فرآیند یادگیری و شناخت مولفه‌های سازگار با مغز، زمینه را برای ایجاد نگرش یادگیرنده بودن مدرس و فراگیر فراهم می‌سازد. این نگرش، فرد را از حالت تک بعدی به حالت چند بعدی ارتقا داده و در فرآیند آموزش و یادگیری، به استفاده از روش‌های متنوع سوق می‌دهد و در هنگام برخورد با موانع، توانایی بازنگری برنامه‌ها را با حفظ توجه به هر کدام دارا بوده که همان انعطاف‌پذیری شناختی است. دستاوردهای پژوهش حاضر عبارت است از: کاربردی کردن یادگیری سازگار با مغز در فرآیند آموزش دانش‌آموزان، افزایش فعالیت‌های آگاهانه‌ی معلمان و دانش‌آموزان، کمک به پیشرفت تحصیلی و افزایش انگیزه‌ی دانش‌آموزان، ایجاد چالش در محیط یادگیری، توانمندسازی دانش‌آموزان در حذف تهدیدها و مدیریت آن‌ها. طراحی محیط‌های یادگیری الکترونیکی مبتنی بر اصول یادگیری سازگار با مغز به طراحان، برنامه‌ریزان درسی و معلمان کمک می‌کند تا بتوانند در فرآیند یادگیری به یکپارچگی عملکرد مغز توجه داشته باشند و از منابع و ابزار یادگیری استفاده کنند که بین سه شبکه‌ی اساسی مغز یعنی شناختی، استراتژیک و عاطفی ارتباط برقرار شود. بر این اساس، سوال پژوهش این است که آیا الگوی محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر مولفه‌های کارکردهای اجرایی تاثیر دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر تهران که ۳۰ نفر (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) به عنوان نمونه یا روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. گروه آزمایش با استفاده از الگوی شش مولفه‌ای یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز (توجه، ارتباط، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی) در مدت هفت جلسه مباحث ریاضی پایه پنجم را در محیط تعاملی الکترونیکی نیرپاد^۱ آموزش دیدند. در این محیط، از اپلیکیشن‌های دیگری نظیر فت^۲، طراحی سوالات و آزمون‌سازی، بازی‌های آموزشی و ... استفاده شد.

نیرپاد را می‌توان به عنوان یک برنامه تعامل توضیح داد که معلمان و دانش‌آموزان را در یک پلتفرم گرد هم می‌آورد. این یک برنامه متمرکز بر آموزش است. در نیرپاد معلم می‌تواند بازی آموزشی بسازد، از شبیه‌سازی‌های فت استفاده کند. امکان ساخت آزمون و بازخورد دادن به فراگیران در این محیط وجود دارد. فراگیران می‌توانند از عملکرد خود آگاه شوند و حتی در محیط آموزش ببینند و نظرات‌شان را مطرح کنند. شبیه‌سازی فت در محیط نیرپاد تعبیه شده است. شبیه‌سازی فت شبیه‌سازی‌هایی سرگرم‌کننده، تعاملی و مبتنی بر آموزش و پژوهش در درس

¹ Nearpod

² Phet

گوناگون تحصیلی (فیزیک، زیست‌شناسی، علوم، شیمی، علوم زمین، ریاضیات) را ارائه می‌کند. این شبیه‌سازی توسط دانشگاه کلرادو ایالات متحده آمریکا ابداع شده است. آن‌ها در جاوا و فلش طراحی شده و با مرورگری که فلش و جاوا روی آن نصب شده قابل اجرا هستند شبیه‌سازی‌های فت و ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که در بیش‌تر ابزارهای کمک‌آموزشی وجود ندارند (تعامل، انیمیشن، بازخورد دینامیکی، کشف مفاهیم). این پلتفرم به معلمان اجازه می‌دهد تا درس‌هایی را از ابتدا ایجاد کنند و هم‌چنین، درس‌های ایجاد شده خود را آپلود کنند. افزون بر این، معلمان می‌توانند از کتابخانه گسترده دوره‌های از پیش بسته‌بندی شده به صورت رایگان استفاده کنند. نیرپاد به مریبان کمک می‌کند تا با استفاده از مفاهیمی مانند نظر سنجی، آزمون‌ها، تصاویر سه‌بعدی و موارد دیگر، یادگیری بهتری داشته باشند.

جدول ۱. جلسات آموزشی و شرح آن

جلسات	عنوان	هدف	محتوا
جلسه اول	آشنایی و معارفه و گرفتن پیش‌آزمون	معرفی اعضا، آشنایی با فرایند جلسات، معرفی پلتفرم نیرپاد.	پلتفرم نیرپاد
جلسه دوم	آموزش کسر بزرگتر از واحد	آشنایی دانش‌آموزان با کسر بزرگتر از واحد، حاصل ضرب کسرها، حاصل تقسیم کسرها، تبدیل کسرها، مقایسه کسرها	افزایش توجه، تولید، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی با در نظر گرفتن راهبردهای آموزشی
		شرح مفاهیم کسر بزرگتر از واحد: در محیط نیرپاد	
			با استفاده از داستان‌ها یا مثال‌های واقعی و قابل ارتباط با زندگی روزمره. ایجاد ویدئوهای آموزشی با ارائه مفاهیم کلیدی به شیوه جذاب و تعاملی. استفاده از تکنیک‌های ویرایش و انیمیشن برای جلب توجه و توضیح بهتر مفاهیم. ارائه چالش‌ها و مسائل عملی که به دانش‌آموزان امکان حل مسائل با مفاهیم کسر بزرگتر از واحد را بدهد. ایجاد بازی‌ها و مسابقات ریاضی با جوایز جذاب. تشویق به رقابت و ارتقاء درجه‌ها و امتیازات.

<p>تشویق به استفاده از مفاهیم یادگرفته شده در حل مسائل عملی، ارائه سوالاتی که نیازمند استنتاج و تحلیل اطلاعات باشند، ایجاد تابلوی گروهی، استفاده از فونت و رنگ مناسب در هنگام آموزش مفاهیم. افزایش توجه، تولید، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی با در نظر گرفتن راهبردهای آموزشی</p>	<p>آشنایی دانش‌آموزان با نسبت بین دو مقدار با توجه به کسر، آموزش نسبت‌های مساوی</p>	<p>آموزش نسبت و تناسب</p>	<p>جلسه سوم</p>
<p>شرح مفاهیم نسبت و تناسب: در محیط نیرپاد</p>	<p>آشنایی دانش‌آموزان با تناسب بین دو مقدار با توجه به کسر</p>		
<p>با استفاده از داستان‌ها یا مثال‌های واقعی و قابل ارتباط با زندگی روزمره. ایجاد ویدئوهای آموزشی با ارائه مفاهیم کلیدی به شیوه جذاب و تعاملی. استفاده از تکنیک‌های ویرایش و انیمیشن برای جلب توجه و توضیح بهتر مفاهیم. ارائه چالش‌ها و مسائل عملی که به دانش‌آموزان امکان حل مسائل با مفاهیم کسر بزرگتر از واحد را بدهد. ایجاد بازی‌ها و مسابقات ریاضی با جوایز جذاب. تشویق به رقابت و ارتقاء درجه‌ها و امتیازات. تشویق به استفاده از مفاهیم یادگرفته شده در حل مسائل عملی، ارائه سوالاتی که نیازمند استنتاج و تحلیل اطلاعات باشند، ایجاد تابلوی گروهی، استفاده از فونت و رنگ مناسب در هنگام آموزش مفاهیم.</p>	<p>آشنایی دانش‌آموزان با مفهوم درصد</p>	<p>آموزش درصد</p>	<p>جلسه چهارم</p>
<p>افزایش توجه، تولید، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی با در نظر گرفتن راهبردهای آموزشی</p>	<p>آشنایی دانش‌آموزان با ارتباط مفهوم درصد با مفاهیم مرتبط نسبت و ...</p>		

شرح مفاهیم درصد: در محیط نیرپاد

با استفاده از داستان‌ها یا مثال‌های واقعی و قابل ارتباط با زندگی روزمره. ایجاد ویدئوهای آموزشی با ارائه مفاهیم کلیدی به شیوه جذاب و تعاملی. استفاده از تکنیک‌های ویرایش و انیمیشن برای جلب توجه و توضیح بهتر مفاهیم. ارائه چالش‌ها و مسائل عملی که به دانش‌آموزان امکان حل مسائل با مفاهیم کسر بزرگتر از واحد را بدهد. ایجاد بازی‌ها و مسابقات ریاضی با جوایز جذاب. تشویق به رقابت و ارتقاء درجه‌ها و امتیازات. تشویق به استفاده از مفاهیم یادگرفته شده در حل مسائل عملی، ارائه سوالاتی که نیازمند استنتاج و تحلیل اطلاعات باشند، ایجاد تابلوی گروهی، استفاده از فونت و رنگ مناسب در هنگام آموزش مفاهیم.

افزایش توجه، تولید، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی با در نظر گرفتن راهبردهای آموزشی

آشنایی دانش‌آموزان با مفهوم تقارن محوری

آموزش تقارن

جلسه پنجم

شرح مفاهیم تقارن محوری: در محیط نیرپاد

با استفاده از داستان‌ها یا مثال‌های واقعی و قابل ارتباط با زندگی روزمره. ایجاد ویدئوهای آموزشی با ارائه مفاهیم کلیدی به شیوه جذاب و تعاملی. استفاده از تکنیک‌های ویرایش و انیمیشن برای جلب توجه و توضیح بهتر مفاهیم. ارائه چالش‌ها و مسائل عملی که به دانش‌آموزان امکان حل مسائل با مفاهیم کسر بزرگتر از واحد را بدهد. ایجاد

<p>بازی‌ها و مسابقات ریاضی با جوایز جذاب. تشویق به رقابت و ارتقاء درجه‌ها و امتیازات. تشویق به استفاده از مفاهیم یادگرفته شده در حل مسائل عملی، ارائه سوالاتی که نیازمند استنتاج و تحلیل اطلاعات باشند، ایجاد تابلوی گروهی، استفاده از فونت و رنگ مناسب در هنگام آموزش مفاهیم.</p>	<p>آشنایی دانش آموزان با شکل‌های متقارن و غیر متقارن، رسم محور تقارن شکل‌های هندسی، به دست آوردن قرینه هر شکل نسبت به محور تقارن داده شده</p>	<p>جلسه ششم آموزش چندضلعی</p>
<p>افزایش توجه، تولید، هیجان، یادگیری فاصله‌ای، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی با در نظر گرفتن راهبردهای آموزشی</p> <p>شرح مفاهیم چندضلعی: در محیط نبرپاد با استفاده از داستان‌ها یا مثال‌های واقعی و قابل ارتباط با زندگی روزمره. ایجاد ویدئوهای آموزشی با ارائه مفاهیم کلیدی به شیوه جذاب و تعاملی. استفاده از تکنیک‌های ویرایش و انیمیشن برای جلب توجه و توضیح بهتر مفاهیم. ارائه چالش‌ها و مسائل عملی که به دانش‌آموزان امکان حل مسائل با مفاهیم کسر بزرگتر از واحد را بدهد. ایجاد بازی‌ها و مسابقات ریاضی با جوایز جذاب. تشویق به رقابت و ارتقاء درجه‌ها و امتیازات. تشویق به استفاده از مفاهیم یادگرفته شده در حل مسائل عملی، ارائه سوالاتی که نیازمند استنتاج و تحلیل اطلاعات باشند، ایجاد تابلوی گروهی، استفاده از فونت و رنگ مناسب در هنگام آموزش مفاهیم.</p>	<p>انجام تکالیف به صورت گروهی و گرفتن پس‌آزمون</p>	<p>جلسه هفتم گرفتن پس‌آزمون</p>
<p>اجرای پس‌آزمون و پایان دوره با استفاده از پرسش‌نامه، تشکر و قدردانی از همکاری اعضا</p>	<p>آزمون</p>	

ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی بریف (۲۰۰۰) می‌باشد.

پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی: پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی تو سبط Brief (2000) ساخته شد. این ارزیابی دارای دو فرم والدین و معلمان و دارای ۸۶ سوال می‌باشد که با توجه به شرایط حادث شدن وضعیت برای کودک به عنوان هیچ وقت و گاهی اوقات و همیشه به ترتیب از ۱ تا ۳ تو سبط والدین نمره گذاری می‌شود و رفتارهای کودک را در مدرسه و یا منزل مورد بررسی قرار می‌دهد و به منظور تفسیر رفتاری عملکرد اجرایی ۵ تا ۱۸ ساله طراحی شده است (Guy Et al, 2000). زمان تکمیلی این فرم بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه است. این پرسش‌نامه با مقیاس لیکرت نمره گذاری می‌شود. هرکدام از سوالات مربوط به یکی از زیر مجموعه‌های پرسش‌نامه می‌باشد و این زیر مجموعه‌ها به دو قسمت اصلی مهارت‌های تنظیم رفتار و مهارت‌های فراشناخت تقسیم می‌شود: الف) مهارت‌های تنظیم رفتار: بازداری، انتقالی، کنترلی هیجان، ب) مهارت‌های فراشناخت: برنامه ریزی، سازماندهی مواد، نظارت، حافظه کاری، آغازگری. ضریب اعتبار این پرسش‌نامه برای نمونه‌های بالینی در فرم والدین آن ۰/۹۸-۰/۸۲ می‌باشد و زمانی که برای ارزیابی جامعه‌های هنجار از آن استفاده شود، این میزان به ۰/۹۷-۰/۸۰ می‌رسد، روایی و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه درجه بندی رفتاری کارکردهای اجرایی (فرم والدین) توسط میرزاکحانی (۱۳۹۴) در جامعه درخودمانده انجام شده است (Mirzakhani Et al, 2015). نسخه اصلی آزمون از ویژگی‌های روانسنجی خوب، روش اجرای ساده و روشن برخوردار است و ابزاری قابل اعتماد و کاربردی برای درمانگران معرفی شده است. در پژوهش شهابی (۱۳۹۰) روایی و اعتبار پرسش‌نامه سنجیده شد که ضریب پایایی آزمون-بازآزمون خرده مقیاس‌های آزمون رتبه بندی رفتاری کارکردهای اجرایی در کارکرد بازداری ۰/۹۰، جهت دهی ۰/۸۱، کنترل هیجانی ۰/۹۱، آغاز به کار ۰/۸۰، حافظه فعال ۰/۷۱، برنامه ریزی ۰/۸۱، سازماندهی اجزا ۰/۷۹، نظارت ۰/۷۸، شاخص تنظیم رفتار ۰/۹۰، شاخص فراشناخت ۰/۸۷ و نمره کلی کارکردهای اجرایی ۰/۸۹ به دست آمد. ضریب همسانی درونی برای این پرسش‌نامه از ۰/۸۷ تا ۰/۹۴ می‌باشد که نشان دهنده بالابودن همسانی درونی تمامی خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه است (Nodehii Et al, 2016). در این پژوهش، پایایی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد که نشان از پایایی مطلوب می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس) استفاده شد. شرکت کنندگان این پژوهش ۳۰ نفر بودند که در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جایدهی شدند. میانگین و انحراف معیار سنی شرکت کنندگان گروه آزمایش به ترتیب برابر با ۱۰/۳۳ و ۱/۵۲ و میانگین و انحراف معیار سنی شرکت کنندگان گروه کنترل به ترتیب برابر با ۱۰/۰۱ و ۱/۳۸ بود.

در جدول ۲، شاخص‌های توصیفی نمرات شرکت کنندگان پژوهش در مولفه‌های کارکردهای اجرایی دانش‌آموزان در مراحل گوناگون ارزیابی و به تفکیک گروه‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی نمرات شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش

متغیر	مرحله	گروه			
		آزمایش	کنترل		
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
انعطاف پذیری شناختی	پیش آزمون	۱۸/۶۶	۲/۴۹	۱۸/۴۶	۲/۹۴
	پس آزمون	۲۱/۸۰	۲/۱۴	۱۸/۸۴	۲/۶۰
بازداری پاسخ	پیش آزمون	۱۸/۹۳	۲/۱۲	۱۸/۳۳	۲/۸۹
	پس آزمون	۲۲/۸۰	۲/۳۳	۱۸/۵۳	۲/۹۴
حافظه کاری	پیش آزمون	۱۶/۹۳	۲/۸۳	۱۶/۲۰	۲/۹۵
	پس آزمون	۲۰/۱۳	۲/۶۴	۱۵/۵۳	۲/۴۷

در جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش براساس مراحل ارزیابی و عضویت گروهی ارائه شده است؛ همانگونه که از نتایج جدول مشخص است در مرحله پس آزمون شرکت کنندگان افزایش نمره‌ای را در هر سه متغیر تجربه کرده‌اند؛ با این حال، برای بررسی تفاوت‌های میانگین‌های گروه‌های پژوهش از تحلیل کوواریانس چند متغیری (مانکوا) استفاده شد، اما پیش از تحلیل، مفروضه‌های تحلیل کوواریانس تحت بررسی قرار گرفت. نتایج اجرای آزمون شاپیرو-ویلک دال بر نرمال بودن داده‌ها بود ($p > 0/05$). نتایج اجرای آزمون ام باکس حاکی از همگنی کوواریانس‌های متغیرهای وابسته (همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس) بود ($p > 0/05$). نتایج اجرای آزمون لوین نشان دهنده برابری واریانس بین متغیرهای وابسته پژوهش در گروه‌های آزمایش و کنترل (همگنی واریانس‌های بین‌گروهی) بود ($p > 0/05$). نتایج آزمون اثرهای بین آزمودنی (متقابل و بین آزمودنی) بیانگر رعایت همگنی شیب‌های رگرسیونی در دو گروه آزمایش و کنترل بود ($p > 0/05$) و نتایج آزمون لامبدای ویلکس نشان دهنده تفاوت معنادار در حداقل یکی از متغیرهای وابسته بین گروه‌های آزمایش و کنترل بود ($F(3,3) = 14/40, p < 0/001$). در جدول ۲ نتایج مربوط به اثرات بین آزمودنی تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون اثرات بین گروهی برای دو گروه آزمایش و کنترل در کارکردهای اجرایی

شاخص آماری متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری	مجذور اتا
انعطاف پذیری شناختی	۱۳۹/۶۰	۱	۱۳۹/۶۰	۱۷/۹۷	۰/۰۰۱	۰/۴۲
بازداری پاسخ	۱۵۸/۴۲	۱	۱۵۸/۴۲	۳۴/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۸
حافظه کاری	۹۸/۴۳	۱	۹۸/۴۳	۲۷/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۵۲

جدول ۳ نتایج آزمون اثرات بین گروهی برای دو گروه آزمایش و کنترل را در متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. چنانچه در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، بین دو گروه آزمایش و کنترل در هر سه مولفه انعطاف پذیری شناختی، بازداری پاسخ و حافظه کاری در مرحله پس آزمون تفاوت معنی داری از نظر آماری وجود دارد ($p < 0/001$). با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲ که نشان دهنده میانگین‌های بیش‌تر گروه آزمایش در مرحله پس آزمون در مقایسه با گروه کنترل در متغیرهای فوق است، می‌توان نتیجه گرفت تفاوت معنادار در مولفه‌های بالا در بین گروه آزمایش و کنترل به نفع گروه آزمایش است و افرادی که در گروه آزمایش قرار داشتند و الگوی محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز دریافت کرده بودند در مقایسه با گروه کنترل که این مداخله را دریافت نکرده بودند از کارکردهای اجرایی بهتری برخوردار شدند. بر این اساس فرضیه پژوهش تأیید می‌شود و الگوی محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر مولفه‌های کارکردهای اجرایی دانش‌آموزان اثرگذار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر انعطاف پذیری شناختی دانش‌آموزان تاثیر دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش Saadatmand & Afsharinejad (2022)، Sharbar (2022)، Arsad & Kasefi (2021)، Nasiri (2021)، Bagheri & Latifi (2021)، Mashhadizadeh Et al (2021)، Sridamn & Sangkharam (2023)، Cherrier Et al (2023)، Al-Murshidi Et al (2021)، Damayanti Et al (2018)، Jena Et al (2018) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت برای رسیدن به اهداف آموزشی گوناگون لازم است ابزار و منابع آنلاین متعددی به کلاس معرفی شود. هر چند تعدد این موارد ممکن است یادگیرنده‌ها را سردرگم کند، اما تنوع این ابزارها با صرف زمان مناسب برای تسلط بر هر کدام از آن‌ها می‌تواند فرصتی برای تقویت انعطاف پذیری شناختی خلق کند. برای استفاده مناسب از این فرصت

با دانش آموزان دربارهی این مهارت شناختی گفتگو کنید به آنها یادآوری کنید که تسلط بر ابزارهای آموزشی بخش ارزشمندی از فرایند یادگیری است و مهارت‌های شناختی هنگام این کار توسعه می‌یابد. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که آگاهی از مهارت‌های شناختی، افراد را در استفاده‌ی موثر از آنها توانمند می‌کند. بنابراین با آشنا کردن یادگیرنده‌ها با مهارت انعطاف‌پذیری شناختی و ارزیابی این مهارت در طول زمان می‌توان امکانی برای بهبود آن فراهم کرد. مطالعات قبلی ارتباط قوی بین انعطاف‌پذیری در یادگیری الکترونیکی و نتایج یادگیری را نشان داده‌اند (Soffer Et al, 2019; McGarry Et al, 2015; Austerschmidt & Bebermeier, 2019). مشابه این نتیجه، مطالعه‌ی مرور سیستماتیک جامع آنها به این نتیجه رسید که نتایج یادگیری را می‌توان از راه طراحی یادگیری انعطاف‌پذیر افزایش داد (McGarry Et al, 2015). Soffer Et al (2019) نیز گزارش دادند که بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و الگوهای انعطاف‌پذیری بر اساس رفتارهای یادگیری آنلاین آنها رابطه معناداری وجود دارد. انعطاف‌پذیری در آموزش الکترونیکی برای دانش‌آموزان آنلاین حیاتی است تا فرایند یادگیری خود را بهبود بخشند. عناصر و مکانیسم‌های گوناگونی در مغز وجود دارد که بر انعطاف‌پذیری تفکر، یادگیری و پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد. توسعه انعطاف‌پذیری ذهنی با بهینه‌سازی انعطاف‌پذیری طراحی عصبی افراد شروع می‌شود. عناصر مغز-ذهن که بر نحوه یادگیری، تفکر و پردازش اطلاعات افراد تأثیر می‌گذارد. انعطاف‌پذیری عصبی به این معنی است که یک فرد دارای یکپارچگی نیمکره‌جانبی برای تحلیل و خلاق بودن، رمزگذاری و رمزگشایی اطلاعات به طور همزمان، داشتن رویکردی به همان اندازه کلامی و غیرکلامی در طول ارتباط است. انعطاف‌پذیری هم‌چنین، مستلزم تعادل بین نواحی بیانگر مغز در لوب‌های فرونتال و نواحی پذیرنده مغز در قشر حسی است و افراد را قادر می‌سازد تا افکار، کلمات و احساسات خود را بیان کنند. متعاقباً، تعادل در تمام لوب‌ها و نیمکره‌های نئوکورتکس، انعطاف‌پذیری را برای افراد فراهم می‌کند. Karami (2023) پژوهشی با عنوان ارائه چارچوبی برای طراحی محیط‌های یادگیری الکترونیکی و مجازی براساس اصول و معیارهای انعطاف‌پذیری شناختی انجام دادند. با توجه به معیارهای مطرح شده در بعد شکل‌های گوناگون یادگیری، می‌توان گفت برای افزایش انعطاف‌پذیری شناختی یادگیرندگان در محیط‌های یادگیری الکترونیکی، تنوع محتوا، تنوع روش‌ها و فعالیت‌ها، تنوع تعاملات و تنوع ابزارهای ارزیابی، اهمیتی خاص دارند. هم‌چنین، با توجه به معیارهای مطرح شده در بعد دیدگاه‌های گوناگون یادگیری نیز می‌توان نتیجه گرفت برای افزایش انعطاف‌پذیری شناختی یادگیرندگان در محیط‌های یادگیری الکترونیکی، تنوع نمونه‌ها، تمرین‌ها و مثال‌ها، تنوع در روابط متقابل بین مفاهیم، تنوع در نقطه نظرات افراد، بررسی، تحلیل و ترکیب نقطه نظرات متنوع، تنوع بخشیدن به نظرات گوناگون در مورد موضوع بحث شده، و تنوع روش‌ها و راه‌حل‌ها در فرایند حل مسأله، بسیار اهمیت دارند.

این محیط ها، باید به گونه‌ای تدارک دیده شوند که زمینه درگیری و فعالیت یادگیرنده را فراهم نمایند تا یادگیرنده بتواند درگیری فعالانه‌ای در جریان یادگیری داشته باشد و به ساخت دانشی بپردازد که پاسخگوی نیازهای موقعیتی گوناگون و قابل کاربرد در حل مسائل واقعی است.

نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر حافظه کاری دانش آموزان تاثیر دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش Saadatmand & Afsharinejad (2022)، Sharbar (2022)، Arsad & Kasefi (2021)، Nasiri (2021)، Bagheri & Latifi (2021)، Mashhadizadeh Et al (2021)، Sridamn & Sangkharam (2023)، Cherrier Et al (2023)، Murshidi Et al (2021)، Damayanti Et al (2018)، Jena Et al (2018) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت حافظه نقش اساسی در فعالیت های پیچیده شناختی نظیر یادگیری، برنامه ریزی، استدلال، حل مسئله و ... در مغز انسان دارد (Samiei, 2021). حافظه یک فرآیند شناختی چندوجهی است که شامل مراحل گوناگونی است: رمزگذاری، تثبیت، بازیابی و تثبیت مجدد. رمزگذاری شامل کسب و پردازش اطلاعاتی است که به یک نمایش عصبی مناسب برای ذخیره سازی تبدیل می‌شود (Liu et al, 2021; Panzeri Et al, 2023). اطلاعات را می‌توان از راه کانال های گوناگونی مانند ورودی های دیداری، شنیداری، بویایی یا لمسی به دست آورد. محرک های حسی اکتسابی به قالبی تبدیل می‌شوند که مغز می‌تواند آن را پردازش و حفظ کند. عوامل گوناگونی مانند توجه، اهمیت عاطفی و تکرار می‌توانند بر فرآیند رمزگذاری تأثیر بگذارند و قدرت و دوام حافظه را تعیین کنند (Squire et al, 2004; Lee Et al, 2016; Serences, 2016). نظریه علوم اعصاب مدرن در مورد حافظه شامل سه حوزه عمده مغز است: تالاموس، پیش پیشانی و کورتکس و هیپوکامپ. تالاموس را می‌توان به عنوان یک مسیر یاب تصور کرد که اطلاعات حواسی (بینایی، لامسه، صحبت کردن) را پردازش کرده و این اطلاعات را جهت ارزیابی به لوب های حواسی مغز ارسال می‌کند. اطلاعات ارزیابی شده در نهایت به قشر پیش پیشانی می‌رسند. در آنجا اطلاعات به شکل حافظه های کوتاه مدت وارد هوشیاری ما می‌شوند. این اطلاعات به هیپوکامپ نیز ارسال می‌شوند. در آنجا اطلاعات به بخش های گوناگون تقسیم می‌شوند تا در کورتکس های گوناگون به صورت حافظه های بلندمدت ذخیره شوند. یکی از بزرگ ترین چالش های علوم اعصاب امروزه آن است که درک کنند چگونه بخش های پراکنده حافظه می‌توانند به صورت یک تجربه منسجم از حافظه گرد هم آیند. این مسئله در علوم اعصاب به نام «مسئله اتصال» نامیده می‌شوند. نظریه حافظه در علوم اعصاب پایه ای برای درک اجزای اصلی یک معماری حافظه هوشمند را به ما ارائه می‌کند. با این حال، حافظه انسان تنها یک محصول فرعی از اجزای مغز نیست؛ بلکه به طور عمیقی تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای نیز قرار دارد. حافظه فعال یک سیستم فعال ذخیره سازی اطلاعات و پردازش اطلاعات است و برای عملکرد صحیح سایر عملکردهای پیچیده شناختی

ضروری است (Sanchez Et al, 2015). فرآیند کدگذاری دوگانه در ذهن دانش‌آموزان از راه کانال‌های پردازش بصری و کلامی را می‌توان با استفاده از تصاویر، گرافیک‌ها، نقشه‌های مفهومی و نمودارها فعال کرد (Paivio, 1988). شکستن محتوا به قطعات کوچکتر و قابل هضم (تکه کردن) راهی برای افزایش ظرفیت حافظه کاری دانش‌آموزان جهت تسهیل یادآوری طولامت دانش است (Norris Et al, 2020). رویه‌های عاطفی بر فرآیندهای شناختی یادگیری تأثیر می‌گذارند زیرا احساسات تجربیات را در حافظه بلندمدت انسان ثبت می‌کنند (Jimenez Et al, 2021). تجزیه و تحلیل کمی یافته‌های مطالعه Mohammed & Daif-Allah (2023) تأثیر متقابل بین متغیرهای استراتژی‌های یادگیری مبتنی بر مغز (تکرار فاصله‌ای و تمرین توزیع شده - مدل‌های ذهنی) و الگوهای اینفوگرافیک (ایستا/متحرک) در محیط‌های یادگیری الکترونیکی را در نمرات آزمون نشان می‌دهد. یافته‌ها همچنین نشان داد که تکرار اطلاعات در فواصل زمانی فزاینده با استفاده از اینفوگرافیک برای یادگیری مفاهیم به صورت سازمان یافته و بهبود حافظه کوتاه موثر است. افزون بر این، استراتژی مدل ذهنی نیز به حفظ اطلاعات کمک کرد.

راهبردهای آموزشی مبتنی بر یادگیری مبتنی بر مغز، استراتژی‌های جدیدی هستند که توسط معلمان و مربیان برای تقویت و بهبود یادگیری و حافظه در کلاس درس و در محیط‌های آموزش الکترونیکی برای کیفیت یادگیری و بهبود حافظه استفاده می‌شوند (Lubis, 2017; Yustitia Et al, 2019). یادگیری مبتنی بر مغز به یک ضرورت برای آموزش یادگیرنده تبدیل شده است، زیرا الگوها و اشکال متعددی از تفکر را ارائه می‌دهد و امکان وجود بسیاری از استراتژی‌ها و کاربردهای آموزشی متنوع، حمایتی و موثر در زمینه تفکر و روش‌های بهبود حافظه را فراهم می‌کند. نظریه یادگیری مبتنی بر مغز، نظریه‌ای است که علوم مغز، علوم اعصاب، علوم رفتاری و علوم شناختی را به هم مرتبط می‌کند. راهبردهای یادگیری مبتنی بر مغز با تمرکز بر توجه، حافظه، انگیزه، نحوه ارائه اطلاعات و راه‌های کسب دانش مفهومی به غنی‌سازی فرآیندهای تدریس و یادگیری کمک می‌کند و یک محیط یادگیری سازگار را فراهم می‌کند. محیط‌های آموزشی و استراتژی‌های مبتنی بر یادگیری مبتنی بر مغز نیز با تنوع منابع یادگیری دیجیتال، اشتراک‌گذاری اطلاعات، کسب بازخورد فوری مورد نیاز فراگیران و همچنین، توسعه مهارت‌های تفکر و خلاقیت مشخص می‌شوند (Sesmiarni, 2015). Amit-Danhi (2020) کشف کرد که دانش‌آموزان بیش‌تر از آنچه می‌خوانند زمانی که با تصاویر یا نمودارها همراه بود، به یاد می‌آورند. بنابراین، اینفوگرافیک حفظ دانش را افزایش می‌دهد و به بهبود نتایج یادگیری کمک می‌کند. مطالعات تحقیقاتی که با یادگیری مبتنی بر مغز سروکار دارند، اثربخشی یادگیری مبتنی بر مغز را بر توسعه محیط‌های یادگیری الکترونیکی و بهبود یادآوری حافظه و حفظ حقایق و جزئیات ثابت کرده‌اند. (Jensen & Mcconchie, 2020). افزون بر این، ادغام استراتژی‌های یادگیری مبتنی بر مغز و

روش‌های ارائه محتوا با استفاده از نمودارها و مدل‌ها برای بهبود عملکرد سیستم آموزش الکترونیکی مبتنی بر محیط‌های یادگیری قابل توجه است (Erol & Karaduman, 2018). ElAdl & Saad (2018) پژوهشی با عنوان تأثیر یک برنامه یادگیری مبتنی بر مغز بر حافظه کاری و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان عمانی پایه دهم انجام دادند. مطالعه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان گروه آزمایش، در مقایسه با گروه کنترل، به دلیل آموزش یادگیری مبتنی بر مغز، حافظه کاری قوی و انگیزه تحصیلی دارند.

نتایج فرضیه سوم پژوهش نشان داد محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر بازداری پاسخ دانش‌آموزان تأثیر دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش Saadatmand & Afsharinejad (2022)، Sharbar (2022)، Arsad & Kasefi (2021)، Nasiri (2021)، Bagheri & Latifi (2021)، Mashhadizadeh Et al (2021)، Sridamn & Sangkharam (2023)، Cherrier Et al (2023)، Al- (2023)، Murshidi Et al (2021)، Damayanti Et al (2018)، Jena Et al (2018) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت در علوم اعصاب شناختی، بازداری و یا کنترل بازداری به توقف روند روانی با و یا بدون عمد گفته می‌شود. کنترل بازداری، نقش اساسی را در طول پردازش مراحل عملیات روانی شامل ادراک، توجه، هیجان، حافظه، یادگیری، عمل، تفکر و زبان بازی می‌کند (Moghadam, 2021). Sharifi Et al (2022) پژوهشی با عنوان اثربخشی تمرین رایانه‌ای شناختی بر عملکرد بازداری پاسخ و توجه پایدار دانش‌آموزان با مشکلات ریاضی انجام دادند. نتایج آزمون استروپ نشان می‌دهد تفاوت معناداری در نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان گروه آزمایش و گواه در زیر مؤلفه خطای ارتکاب وجود داشت. هم‌چنین، در آزمون عملکرد پیوسته، تفاوت گروه گواه و آزمایش پس از حذف اثر پیش‌آزمون در مرحله پس‌آزمون، در زیرمؤلفه خطای ارتکاب و خطای حذف معنادار بود. برنامه تمرین رایانه‌ای شناختی می‌تواند سبب بهبود عملکرد بازداری پاسخ و توجه پایدار در دانش‌آموزان با مشکلات ریاضی شود. بر اساس مطالعات گوناگون، بهبود کنترل بازداری نیز به وسیله برنامه آموزشی با رایانه امکان‌پذیر است. Lee Et al (2021) دریافتند آموزش رایانه‌ای ردیابی چشم بر بهبود کنترل بازداری کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی و نقش توجه موثر است. Liu Et al (2015) نشان دادند که آموزش بازداری به وسیله بازی کودکان با تبلت، توانایی استدلال در آنان را بهبود می‌بخشد. Maraver Et al (2016) نیز با استفاده از برنامه‌های کامپیوتری توانستند شرکت‌کنندگان مورد آموزش را به سمت یک حالت کنترل شناختی فعال تر سوق می‌دهد. Abdolrahimi (2015) در پژوهشی با عنوان تأثیر آماده سازی زیر آستانه‌ای به روش علامت توقف، پرو/نرو و تحریک الکتریکی مغز بر بازداری پاسخ و امواج مغزی (EEG) به این نتیجه رسیدند در بررسی اول و دوم نتایج پژوهش برای تحریک الکتریکی در پارامترهای تکلیف علامت-توقف در موقعیت‌های قشر بینایی و شکنج تحتانی راست معنی‌دار بود. اما در

تکلیف برو/نرو تفاوت معناداری بین پارامترهای تکلیف بر اثر تحریک الکتریکی مشاهده نشد. در رابطه با مطالعه سوم برای ثبت امواج مغزی حین تکلیف، تفاوت فعال سازی این امواج درد و تکلیف معنی دار بود. بر اساس این پژوهش، دانش آموزان در کلاس درس در هنگام آموزش، سوالات را بدون مکث و بی درنگ پاسخ می دادند و برخی از جواب ها درست بود و برخی از جواب ها نادرست.

نتایج نشان داد محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بر مولفه‌های کارکردهای اجرایی (بازداری پاسخ، انعطاف پذیری شناختی و حافظه کاری تاثیر دارد. بر اساس نتیجه می توان گفت محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز باعث بهبود قدرت تمرکز و توجه، تقویت حافظه کوتاه مدت، افزایش توانایی پردازش اطلاعات و بهبود مهارت های تنظیم اجرایی می شود. این نوع محیط های یادگیری با استفاده از تکنیک های متنوعی از جمله بازی های آموزشی، ویدیوها و تمرینات تعاملی، به طور سیستماتیک بر توانایی های اجرایی مغز تأثیر می گذارند و به مرور زمان باعث بهبود کارکردهای اجرایی می شوند. حوزه علوم اعصاب تربیتی، رویکردها و ابزارهای مفیدی را برای آموزش آنلاین فراهم می کند. یکی از عناصر کلیدی در تسهیل یادگیری، انعطاف پذیری مغز و توانایی آن برای رشد از راه سیناپس ها و مدارهای عصبی است. در این زمینه، مشارکت فراگیران در فرآیند یادگیری نقش تعیین کننده ای دارد. به منظور افزایش مشارکت، معلم می تواند از چت متنی خصوصی، چت گروهی، تخته دیجیتال خصوصی برای حمایت از یادگیری استفاده کند تا فراگیران فعالانه شرکت کنند و فرصت های متعددی برای مشارکت در فرآیند یادگیری داشته باشند. برای دستیابی به تثبیت، ذخیره و یادآوری دانش جدید، فراگیران می توانند از ارزشیابی تشخیصی، تکوینی و تراکمی که به صورت دیجیتالی ارائه می شود بهره مند شوند. از این نوع ارزشیابی، معلم این فرصت را دارد که یادگیری را ارزیابی کند. استفاده از نظرسنجی با سوالات از نوع درست یا غلط، ایجاد سوالات چند گزینه ای یا جملات کوتاه هم در طول درس و هم به عنوان تکلیف خانگی (زمینه ناهمزمان)، فرصت هایی را در اختیار یادگیرندگان قرار می دهد تا حافظه خود را تقویت کنند، در مورد آنچه می دانند و آنچه را که فهمیده اند فکر کنند و همچنین، نیازهای شخصی آنها را شناسایی می کند.

با توجه به نتیجه پژوهش می توان از فناوری های شناختی هوش مصنوعی، واقعیت افزوده، ربات ها، پردازش زبان طبیعی خودکار و ... در محیط یادگیری الکترونیکی برای افزایش کارکردهای اجرایی دانش آموزان استفاده کرد. پیشنهاد می شود برای افزایش کارکردهای اجرایی دانش آموزان از الگوی طراحی محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز این پژوهش استفاده گردد. مشارکت و تعامل فراگیران، مدرسان و دیگر عناصر محیط آموزشی در یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز بسیار اهمیت دارد. در این راستا پیشنهاد می شود دوره آموزشی به گونه ای طراحی

شود تا تعاملات بین یادگیرندگان را افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود که مدارس، دانشگاهها و طراحان نرم‌افزارهای آموزشی در نظر داشته باشند که در طراحی محتوا و ابزارهای یادگیری الکترونیکی، عوامل مؤثر بر کارکردهای اجرایی را در نظر بگیرند. از جمله محدودیت های پژوهش عدم تعمیم نتایج بر روی دانش آموزان مقاطع گوناگون تحصیلی و مدارس استان ها و شهرستان های دیگر، کمبود پژوهش در زمینه محیط یادگیری الکترونیکی مبتنی بر علوم اعصاب تربیتی؛ علوم اعصاب آموزشی و دانش ذهن، مغز و تربیت بود. در پژوهش‌های بعدی بهتر است بر روی تاثیر محیط یادگیری الکترونیکی سازگار با مغز در دانش آموزان با نیازهای ویژه کار شود. در پژوهش‌های بعدی می‌توان از محیط های یادگیری الکترونیکی دیگر مثل مودل، موک و ... استفاده کرد. در پژوهش‌های بعدی این الگو بر روی دانش آموزان مقاطع گوناگون تحصیلی و دروس متفاوت با نمونه بیش تر اجرا شود.

منابع

- Akyurek, G., & Bumin, G. (2019). An investigation of executive function in children with dyslexia. *Psychiatry and Behavioral Sciences*, 9(1-2), 10-17.
- Alloway, T. P., Gathercole, S. E., & Pickering, S. J. (2006). Verbal and visuospatial short-term and working memory in children: Are they separable?. *Child development*, 77(6), 1698-1716.
- Almarashdeh, I. A., Sahari, N., Zin, N. A. M., & Alsmadi, M. (2011). Acceptance of learning management system: A comparison between distance learners and instructors. *Advances in Information Sciences and Service Sciences*, 3(5).
- Amiel, J. J., & Tan, Y. S. M. (2019). Using collaborative action research to resolve practical and philosophical challenges in educational neuroscience. *Trends in neuroscience and education*, 16, 100116.
- Amit-Danhi, E. (2020). TMI: Information Rhetoric Types in Digital Political Infographics. *AoIR Selected Papers of Internet Research*.
- Anthony, C. J., & Ogg, J. (2020). Executive function, learning-related behaviors, and science growth from kindergarten to fourth grade. *Journal of Educational Psychology*, 112(8), 1563
- Arsad, M., & Kasefi, S. (2021). The Effect of Brain-Centered Empowerment on the Executive Functions of Students with Mathematical Learning Disabilities. *Community Health Journal*, 15(2), 12-20. [Persian].
- Austerschmidt, K. L., & Bebermeier, S. (2019). Flexible unterstützungsangebote in statistik: Implementation und effekte auf studienerefolg. *Zeitschrift für Hochschulentwicklung*, 14(3), 137-155.
- Bagheri, N., & Latifi, Z. (2021). The Effectiveness of Maghz e bartar Package Intervention on Concentration, Memory and Creativity in Primary School Students in Isfahan city. *Journal of Innovation and Creativity in Human Science*, 10(4), 63-86 . [Persian].
- Barkley, R. A. (2012). *Executive functions: What they are, how they work, and why they evolved*. New York: The Guilford Press.
- Bernardo, A. B., & Presbitero, A. (2018). Cognitive flexibility and cultural intelligence: Exploring the cognitive aspects of effective functioning in

- culturally diverse contexts. *International Journal of Intercultural Relations*, 66, 12-21.
- Blair, C. (2017). Educating executive function. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science*, 8(1-2), e1403.
- Blair, C., & Ursache, A. (2011). A bidirectional model of executive functions and self-regulation. *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*, 2, 300-320.
- Braidic, S. (2009). Fostering successful learning communities to meet the diverse needs of university students by creating brain-based online learning environments. *International Journal of Information and Communication Technology Education*, 5(4), 18-25.
- Brown, R. D., & Bjorklund, D. F. (1998). The biologizing of cognition, development, and education: Approach with cautious enthusiasm. *Educational Psychology Review*, 10(3), 355-373
- Brown, R. D., & Brown, R. D. (2018). Brain development and cognitive neuroscience research methods. *Neuroscience of mathematical cognitive development: From infancy through emerging adulthood*, 21-42.
- Brown, R. D., & Chiu, C. P. (2006). Neural correlates of memory development and learning: Combining neuroimaging and behavioral measures to understand cognitive and developmental processes. *Developmental Neuropsychology*, 29(2), 279-291
- Bull, R., Espy, K. A., & Wiebe, S. A. (2008). Short-term memory, working memory, and executive functioning in preschoolers: Longitudinal predictors of mathematical achievement at age 7 years. *Developmental Neuropsychology*, 33, 205-228.
- Buttelmann, F., & Karbach, J. (2017). Development and plasticity of cognitive flexibility in early and middle childhood. *Frontiers in Psychology*, 8, 1040
- Caine, G. (2018). Making connections between e-learning and natural learning. In *Handbook of research on student-centered strategies in online adult learning environments* (pp. 1-15). IGI Global.
- Caine, R. N. & Caine, G. (1995). Reinventing schools through brain-based learning. *Educational Leadership*, 52(7), 43-47.
- Caine, R. N., & Caine, G. (1991). Making connections: Teaching and the human brain
- Cantin, R. H., Gnaedinger, E. K., Gallaway, K. C., Hesson-McInnis, M. S., & Hund, A. M. (2016). Executive functioning predicts reading, mathematics, and theory of mind during the elementary years. *Journal of experimental child psychology*, 146, 66-78.
- Cercone, K. (2006). Brain-based learning. In *Enhancing learning through technology* (pp. 292-322). IGI Global.
- Cherrier, S., Wattelez, G., Ferrière, S., & Borst, G. (2023, April). NeuroStratE: An educational neuroscience intervention to reduce procrastination behavior and improve executive planning function in higher students. In *Frontiers in Education* (Vol. 8, p. 1149817). Frontiers.
- Cherrier, S., Wattelez, G., Ferrière, S., & Borst, G. (2023, April). NeuroStratE: An educational neuroscience intervention to reduce procrastination behavior

- and improve executive planning function in higher students. In *Frontiers in Education* (Vol. 8, p. 1149817). Frontiers.
- Clemons, S. A. (2005). Brain-based learning: Possible implications for online instruction. *International Journal of Instructional Technology and distance learning*, 2(9), 25-34.
- Coch, D., Michlovitz, S. A., Ansari, D., & Baird, A. (2009). Building mind, brain, and education connections: The view from the upper valley. *Mind, Brain, and Education*, 3(1), 27–33.
- Cowan, N. (2017). The many faces of working memory and short-term storage. *Psychonomic Bulletin & Review*, 24(4), 1158-1170
- Crow JT. (2011). Learning to write for readers using brain-based strategies. National Council of Teachers of English.
- Damayanti, I., Suherman, A., Nurikhsan, J., & Anam, A. (2018). Improving Students Executive Function through Brain-Based Physical Education Learning. In *Proceedings of the 2nd International Conference on Sports Science, Health and Physical Education (ICSSHPE 2017) - Volume 2*, 489-495.
- Decety, J., Jackson, P. L., Sommerville, J. A., Chaminade, T., & Meltzoff, A. N. (2004). The neural bases of cooperation and competition: an fMRI investigation. *Neuroimage*, 23(2), 744-751.
- Doebel, S. (2020). Rethinking Executive Function and Its Development. *Perspectives on Psychological Science*, 15(4), 942-956.
- Doukakis, S., and Alexopoulos, E. C. (2020). Knowledge transformation and distance learning for secondary education students. The role of educational neuroscience, in *Proceedings of the 2020 5th South-East Europe Design Automation, Computer Engineering, Computer Networks and Social Media Conference (SEEDA-CECNSM)*, Corfu, 1–5.
- ElAdl, A. M., & Saad, M. A. E. (2019). Effect of a Brain-Based Learning Program on Working Memory and Academic Motivation among Tenth Grade Omanis Students. *Online Submission*, 8(1), 42-50.
- Erol, M., & Karaduman, G. B. (2018). The effect of activities congruent with brain based learning model on students' mathematical achievement. *NeuroQuantology*, 16(5).
- Fitzpatrick, C., & Pagani, L. S. (2012). Toddler working memory skills predict kindergarten school readiness. *Intelligence*, 40(2), 205-212.
- Fogel, Y., Rosenblum, S., Hirsh, R., Chevignard, M., & Josman, N. (2020). Daily Performance of Adolescents with Executive Function Deficits: An Empirical Study Using a Complex-Cooking Task. *Occupational Therapy International*. 2020(3), 1–11.
- Goswami, U. (2006). Neuroscience and education: From research to practice? *Nature Reviews Neuroscience*, 7(5), 2–7
- Hart, L. (2002). *Human brain, human learning. OR: Books for Educators*, p. 24-25.
- Harvey, H. A., & Miller, G. E. (2016). Executive function skills, early mathematics, and vocabulary in head start preschool children. *Early Education and Development*, 27, 1–18

- Hille, K. (2011). Bringing research into educational practice: Lessons learned. *Mind, Brain, and Education*, 5(2), 63–70.
- Huizinga, M., Dolan, C. V., & Van der Molen, M. W. (2006). Age-related change in executive function: Developmental trends and a latent variable analysis. *Neuropsychologia*, 44(11), 2017-2036.
- Jahromi, L. B., & Stifter, C. A. (2008). Individual differences in preschoolers' self-regulation and theory of mind. *Merrill-Palmer Quarterly* (1982-), 125-150.
- Jena, A. K., Barman, M., & Scholar, M. P. (2018). Synchronous e-learning performance in relations to thinking skills, executive functions and attention benefits of students. *The Online Journal of Distance Education and e-Learning*, 6(3), 52-76.
- Jensen E, Mcconchie L: Brain-based learning: the new paradigm of teaching. Corwin Press; 2020.
- Jensen, E. (2008). *Brain-based learning: The new paradigm of teaching* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Corwin Press
- Jensen, E.P.; McConchie, L. (2020). *Brain-Based Learning* (p. 1). SAGE Publications. Kindle Edition.
- Jiménez, Y., Vivanco, O., Castillo, D., Torres, P., & Jiménez, M. (2020, June). Artificial intelligence in neuroeducation: the influence of emotions in the learning science. In *International Conference on Innovation and Research* (pp. 67-77). Cham: Springer International Publishing.
- Johnson, M. H., Halit, H., Grice, S. J., & Karmiloff-Smith, A. (2002). Neuroimaging of typical and atypical development: A perspective from multiple levels of analysis. *Development and Psychopathology*, 14(3), 521–536.
- Karami, Z. (2023). Providing a framework for designing electronic and virtual learning environments based on the principles and criteria of cognitive flexibility. *Technology of Education Journal (TEJ)*, 17(4), 783-796 [Persian]
- Kelly, R. (2013). Brain-based online learning design. *Faculty Focus*.
- Kim, S. A. (2022). *Executive Functioning for School-Aged Children with Autism: Longitudinal Trajectories and Predictors for Growth*. University of California, Los Angeles.
- Krawczyk, D. C., Han, K., Martinez, D., Rakic, J., Kmiecik, M. J., Chang, Z., ... & Didehbani, N. (2019). Executive function training in chronic traumatic brain injury patients: study protocol. *Trials*, 20(1), 435-446.
- Lect, A., & Al-Murshidi, I. H. U. (2021). Effectiveness of Designing an Electronic Course for the Subject of General Physics According to the Brain-based Learning Theory on the Achievement of Basic Education Colleges Students. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, 12(13), 3589-3596.
- Lee, H., Chun, M. M., & Kuhl, B. A. (2017). Lower parietal encoding activation is associated with sharper information and better memory. *Cerebral cortex*, 27(4), 2486-2499.
- Lee, T. L., Yeung, M. K., Sze, S. L., & Chan, A. S. (2021). Eye-tracking training improves inhibitory control in children with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Brain Sciences*, 11(3), 314.

- Liu, J., Zhang, H., Yu, T., Ren, L., Ni, D., Yang, Q., ... & Xue, G. (2021). Transformative neural representations support long-term episodic memory. *Science advances*, 7(41), eabg9715.
- Lubis, R. H. (2017). The effect of cooperative learning model group investigation against student learning outcomes physics viewed from the adversity quotient. *Jurnal Pendidikan Fisika*, 6(1), 44-49.
- Magill-Evans, J., Hodge, M., & Darrah, J. (2002). Establishing a transdisciplinary research team in academia. *Journal of allied health*, 31(4), 222-226.
- Maraver, M. J., Bajo, M. T., & Gomez-Ariza, C. J. (2016). Training on working memory and inhibitory control in young adults. *Frontiers in human neuroscience*, 10, 588.
- Marshall, H. W. & Kostka, I. (2020). Fostering teaching presence through the synchronous online flipped learning approach. *The Electronic Journal for English as a Second Language*, 24(2), 1-15
- Mashhadizadeh, S., Hashemi, B & Mohammadi, L. (2021). Effectiveness of Brain-Based Learning on Problem-Solving Skills and Visual-Spatial Active Memory of Preschool Boys with Specific Learning Disabilities. *JOEC*, 21 (3), 2. [Persian].
- McCloskey, G., & Perkins, L. A. (2012). *Essentials of executive functions assessment* (Vol. 68). John Wiley & Sons.
- McGarry, B. J., Theobald, K., Lewis, P. A., & Coyer, F. (2015). Flexible learning design in curriculum delivery promotes student engagement and develops metacognitive learners: An integrated review. *Nurse education today*, 35(9), 966-973.
- Miyake, A., & Friedman, N. P. (2012). The nature and organization of individual differences in executive functions: Four general conclusions. *Current directions in psychological science*, 21(1), 8-14.
- Miyake, A., Friedman, N. P., Emerson, M. J., Witzki, A. H., Howerter, A., & Wager, T. D. (2000). The unity and diversity of executive functions and their contributions to complex "frontal lobe" tasks: A latent variable analysis. *Cognitive psychology*, 41(1), 49-100.
- Moghadam, H. (2020). Examining the relationship between the level of obsessive-compulsive symptoms and response inhibition with the characteristics of brain waves, Master's thesis. Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad. [Persian].
- Mohammed, Y. S. A., & Daif-Allah, A. S. (2023). The interaction between brain-based learning strategies and patterns of infographics and its influence on the development of information concepts among Saudi undergraduate cybersecurity students. *F1000Research*, 12, 441.
- Morgan, W. W. (2019). *Elementary Teachers' Experiences Using Brain-Based Learning Strategies to Teach Reading to Minority Students* (Doctoral dissertation, Northcentral University).
- Murphy, R. (2021). *Understanding Executive Functions: Professional Development to Support Students with Developing Executive Functions Skills in the Inclusive K-6 Environment* (Doctoral dissertation, California State University, Sacramento).
- Nasiri, F. (2021). *The effectiveness of using brain-compatible learning strategies on cognitive flexibility, academic engagement and computational thinking in*

- second grade elementary students in mathematics*, Master's thesis. Payam Noor University of Isfahan Province. [Persian].
- Norris, D., Kalm, K., & Hall, J. (2020). Chunking and redintegration in verbal short-term memory. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 46(5), 872.
- Paivio, A., Clark, J. M., & Lambert, W. E. (1988). Bilingual dual-coding theory and semantic repetition effects on recall. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 14(1), 163.
- Panzeri, S., Janotte, E., Pequeño-Zurro, A., Bonato, J., & Bartolozzi, C. (2023). Constraints on the design of neuromorphic circuits set by the properties of neural population codes. *Neuromorphic Computing and Engineering*. 3:012001.
- Purpura, D. J., Schmitt, S. A., & Ganley, C. M. (2017). Foundations of mathematics and literacy: The role of executive functioning components. *Journal of Experimental Child Psychology*, 153, 15-34.
- Ren, K., Lin, Y., & Gunderson, E. A. (2019). The role of inhibitory control in strategy change: The case of linear measurement. *Developmental Psychology*, 55(7), 1389-1399.
- Roman, A. S., Pisoni, D. B., & Kronenberger, W. G. (2014). Assessment of working memory capacity in preschool children using the Missing Scan Task: The Missing Scan Task with Preschool Children. *Infant and Child Development*, 23(6), 575-587.
- Saadatmand, N & Afsharinejad, M. (2022). Structural equation model of brain executive function and electronic learning of student teachers of Farhangian University. the second international conference on research findings in psychology, counseling and educational sciences. [Persian].
- Samiei, S. (2021). *Evaluating the effect of increased working memory load on brain cortical connections using EEG-fNIRS data*. Master's thesis, electrical engineering, Faculty of Electrical Engineering, Khwaja Nasiruddin Tusi University of Technology. [Persian].
- Sani, A., Rochintaniawati, D., & Winarno, N. (2019, February). Enhancing students' motivation through brain-based learning. In *Journal of physics: conference series* (Vol. 1157, No. 2, p. 022059). IOP Publishing.
- Schoemaker, K., Mulder, H., Deković, M., & Matthys, W. (2013). Executive functions in preschool children with externalizing behavior problems: A meta-analysis. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 41(3), 457-471.
- Schrag, F. (2013). Can This Marriage be Saved? The Future of 'Neuro-Education'. *Journal of Philosophy of Education*, 47(1), 20-30
- Serences, J. T. (2016). Neural mechanisms of information storage in visual short-term memory. *Vision research*, 128, 53-67.
- Sesmiarni, Z. (2015). Brain based teaching model as transformation of learning paradigm in higher education. *Al-Ta lim Journal*, 22(3), 266-275.
- Sharbar, H. (2022). *Studying the effect of brain-adaptive learning in computer education on inhibitory control and working memory of students with high stress levels*. Master's thesis, Payam Noor University of Kermanshah Province. [Persian].
- Sharifi, A., kamari, S., Sheikhmohammadi, A., & Khayati, G. (2022). The Effectiveness of Computerized Cognitive Training on the Performance of

- Response Inhibition and Sustain Attention of Students with Mathematical Problems. *Journal of Applied Psychological Research*, 13(2), 33-54. [Persian].
- Sibley, M. H., Graziano, P. A., Ortiz, M., Rodriguez, L., & Coxe, S. (2019). Academic impairment among high school students with ADHD: The role of motivation and goal-directed executive functions. *Journal of school psychology*, 77, 67-76.
- Simons, D. J., Boot, W. R., Charness, N., Gathercole, S. E., Chabris, C. F., Hambrick, D. Z., & Stine-Morrow, E. A. (2016). Do “brain-training” programs work?. *Psychological science in the public interest*, 17(3), 103-186.
- Soffer, T., Kahan, T., & Nachmias, R. (2019). Patterns of students’ utilization of flexibility in online academic courses and their relation to course achievement. *International Review of Research in Open and Distributed Learning*, 20(3).
- Sousa, D. A. (1995). How the brain learns: A classroom teacher’s guide. In *National Association of Secondary School Principals*.
- Squire, L. R., Genzel, L., Wixted, J. T., & Morris, R. G. (2015). Memory consolidation. *Cold Spring Harbor perspectives in biology*, 7(8), a021766.
- Sridam, I., & Sangkharam, P. (2023). Elearning program for childrens executive functions development for 5-7 years old, *Journal of Industrial Education*, 22(1), 37-48.
- Stadskleiv, K. (2020). Cognitive functioning in children with cerebral palsy. *Developmental Medicine & Child Neurology*, 62(3), 283–289.
- Stein, M., Auerswald, M., & Ebersbach, M. (2017). Relationships between motor and executive functions and the effect of an acute coordinative intervention on executive functions in kindergartners. *Frontiers in psychology*, 30(8), 859-866.
- Strait, J. E., Dawson, P., Walther, C. A., Strait, G. G., Barton, A. K., & Brunson McClain, M. (2020). Refinement and psychometric evaluation of the executive skills questionnaire-revised. *Contemporary School Psychology*, 24, 378-388.
- Swayze, M., & Dexter, C. (2018). Working memory and school readiness in preschoolers. *Contemporary School Psychology*, 22(3), 313-323.
- Utendale, W. T., Hubert, M., Saint-Pierre, A. B., & Hastings, P. D. (2011). Neurocognitive development and externalizing problems: The role of inhibitory control deficits from 4 to 6 years. *Aggressive Behavior*, 37(5), 476-488.
- Vaninsky, A. (2017). Educational Neuroscience, Educational Psychology, and Classroom Pedagogy as a System. *American Journal of Educational Research*, 5(4), 384-391.
- Varma, S., McCandliss, B. D., & Schwartz, D. L. (2008). Scientific and pragmatic challenges for bridging education and neuroscience. *Educational Researcher*, 37(3), 140–152
- Welch, L. M. (2023). *The Association Between Adverse Childhood Experiences and Executive Functioning: An Adaptation-Based Perspective* (Doctoral dissertation, State University of New York at Albany).
- Yasar, M. D. (2017). Brain-based learning in science education in Turkey: Descriptive content and meta-analysis of dissertations. *Journal of Education and Practice*, 8(9), 161–168.

- Yavari, H., & Jalili Shishavan, A. (2020). The effectiveness of a brain based learning on everyday memory functioning and academic help seeking of students with learning disability. *Journal of Research in Educational Systems*, 14(51), 175-190. [Persian].
- Yustitia, V., Wardani, I. S., & Juniarso, T. (2019). The effect of brain based learning model on student's high order thinking skills. *EduHumaniora/ Jurnal Pendidikan Dasar Kampus Cibiru*, 11(1), 71.
- Zelazo, P. D. (2020). Executive function and psychopathology: A neurodevelopmental perspective. *Annual review of clinical psychology*, 16, 431-454.

The effect of brain-compatible electronic learning environment design pattern on the components of executive functions

Maryam Rajabiyan Dehzireh¹, Hamidreza Maghami^{2*}, Mahmoud Talkhabi³, Ismail Zarei Zawarki⁴, Jalil Younesy⁵

Introduction: In recent decades, in the field of education, various approaches related to educational processes have emerged. Brain-based learning is one of these theories that has attracted the attention of many education experts. By emphasizing the brain and how it works and linking it with learning processes, this theory has brought new topics into the educational field. Paying attention to the various dimensions of this theory and its connection with educational processes and, accordingly, progress in the field of education seems essential. The use of educational technologies cannot be effective without considering educational design patterns and educational approaches. Based on this, educational principles have always been considered in the design of the electronic learning environment. The training process should be designed and planned in such a way that it seeks to create changes in the brain and its scientific results can be observed in behavior. The purpose of this research was the effect of brain-compatible electronic learning environment design pattern on the components of executive functions (cognitive flexibility, working memory and response inhibition) of students.

Research questions: The research questions are:

Does the design pattern of electronic learning environment compatible with the brain have an effect on cognitive flexibility?

Does the design pattern of electronic learning environment compatible with the brain have an effect on working memory?

Does the design pattern of electronic learning environment compatible with the brain have an effect on response inhibition?

Methods: The research method was a semi-experimental pre-test-post-test design with a control group. The statistical population included all 5th grade

¹ Ph.D. student of educational technology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

² Associate Professor of Educational Technology Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

³ Assistant Professor of the Department of Educational Management, Shahid Chamran Campus, Tehran, Iran.

⁴ Professor of Educational Technology Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

⁵ Associate Professor of Measurement and Measurement Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

* Corresponding author: Hmaghami1353@gmail.com

students, 30 of them (15 in the experimental group and 15 in the control group) were selected as samples by cluster sampling. The experimental group was trained using the six-component model of electronic learning adapted to the brain (attention, Genrate, emotion, spacing learning, environmental factors and social factors) during six sessions in the Nearpod electronic interactive environment. Data were analyzed by covariance method. The data collection tool included Brief Executive Functions Questionnaire (2000). The components of this questionnaire included behavior regulation skills: response inhibition, cognitive flexibility, emotion control and metacognitive skills: planning, organizing materials, monitoring, working memory, initiation.

Results: The findings of the research showed that the model of electronic learning environment compatible with the brain has an effect on the components of executive functions (cognitive flexibility, response inhibition and working memory) ($p < 0.001$).

Discussion: Based on this, it can be concluded that teachers can use the model of electronic learning environment in the design of different academic courses.

Keywords: Electronic learning, brain adaptive learning, executive functions, students.